

چالش آزادی در دانشگاه ایرانی می خواهد از اراده جمعی و انباشته رها شود و بنابراین از ساختارها و اراده های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دوری می کند.

جمیله علم الهدی، همسر ابراهیم رئیسی؛



جمیله علم الهدی، همسر ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور ایران در پنجاه و هشتمین نشست معاونان آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی در دانشگاه فردوسی مشهد اظهار کرد:

دانشگاه ایرانی با چالش های جدی در مسیر تحول روبه رو است که مهم ترین آن چالش آزادی است.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از همشهری آنلاین، او ادامه داد:

یکی از مبانی این چالش دوگانه نظم-آزادی است که در شکل طبیعی واگرا نیست و هم گراست یعنی بین نظم طبیعی و میل طبیعی هم گرایی وجود دارد. در بدن هر انسان با تغییر هورمون ها یا هر یک از سیستم های بدن مانند گوارش و اعصاب تغییری ایجاد شود میل انسان تغییر می کند بنابراین هم گرایی بین میل طبیعی و نظم طبیعی وجود دارد ولی در حوزه زیست اجتماعی بین نظم اجتماعی و آزادی اجتماعی واگرایی وجود دارد. این واگرایی مبنای اصلی چالش آزادی در دانشگاه ها است.

رئیس پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری گفت:

مبنای دوم این چالش هستی اجتماعی به نام دانشگاه است. دانشگاه فقط یک بنا نیست بلکه یک حقیقت و هستی اجتماعی است. می شود دانشگاه را نهاد تصور کرد یا ساختاری دانست که نهاد علم را در خود جا داده است. در هر صورت دانشگاه هستی اجتماعی است و چون هستی اجتماعی است مقتضی زیست اجتماعی است یعنی افراد در دانشگاه زیست فردی ندارند و زیست اجتماعی دارند. از جایی که زیست اجتماعی دارند و می خواهند به آزادی های فردی شان بپردازند با نظم اجتماعی در تعارض قرار می گیرند. در واقع تعارض در نتیجه تقابل دو اراده است؛ اراده انباشته اجتماعی و اراده فردی. یک اراده فردی است که کارهایی را می خواهد انجام دهد و یک اراده انباشته اجتماعی که در جهت خیر عمومی عمل می کند. بهترین واژه برای این چالش، چالش آزادی بیان است که در دانشگاه وجود دارد. میان آزادی بیان در دو نوع گفتاری و رفتاری با نظم دانشگاه تعارض و واگرایی پیش می آید. مشکل اینجاست که این آزادی که به صورت اراده انباشته جمع شده است به شدت ایدئولوژیک است و در ایدئولوژیک لیبرالیسم در دانشگاه اتفاقی که می افتد این است که آزادی بیان ممکن نیست. ایدئولوژی لیبرالیسم است که خود را معادل علم می داند در واقع آکادمی معادل لیبرالیسم قرار گرفته و ایدئولوژی هر رفتار و نگرش اسلامی را می توان مقابل آن دانست.

علم الهدی گفت:

در کشور ما در مقابل این سلطه ایدئولوژیک یک رفتار مدیریتی است. بر اساس سلطه ایدئولوژیک بر علم، فناوری و دانشگاه ها رفتارهایی رخ می دهد که برای اینکه با نظم اجتماعی جامعه ایرانی سازگار شود نوعی مدیریت اعمال می شود و این نوع مدیریت فقط در حیطه رفتار تغییراتی ایجاد می کند به طوری که نمی تواند سلطه ایدئولوژیک یا حداقل رقابت ایدئولوژیک ایجاد کند و تحولی در علم ایجاد کند. اگر این را بپذیریم دو راه بیشتر نداریم یا دانشگاه دچار تعارض و اغتشاش

باشد البته در حال حاضر در جامعه تعارض زیاد است اما به اغتشاش نرسیدیم زیرا سیستم مدیریت سعی می‌کند کنترل کند اما در این بین یک هم‌گرایی هم اتفاق می‌افتد. این را در یک چرخه مشاهده می‌کنیم که می‌توانیم به آن چرخه بروکرایی و دموکرایی بگوییم. این دو به صورت چرخه‌ای یکدیگر را حمایت می‌کنند و هر کدام بدون دیگری معنایی ندارد.

او عنوان کرد:

صورت‌های نامناسب بروکرایی و دموکرایی دیده می‌شود. بروکرایی تا حد تحمیل‌های بسیار کم در محیط دانشگاه نمایان می‌شود مانند انضباط دانشجویی یا وقت تدریس در حالی که می‌دانیم معلمی و شاگردی وابسته به زمان و مکان نیست ولی به کمک بروکرایی حاکم توانستیم معلمی را در چارت‌های زمان‌بندی شده و ساختارهای مکان‌مند محدود کنیم. از طرفی دموکرایی نیز در ساختارهای زیبایی مانند مشارکت دانشجویی و گروه‌های دانشجویی در زمینه علمی، سیاسی و... نمایان می‌شود. از آن سو در صورت‌های نازیبا مانند تقلب، چانه‌زنی، رانت‌خواری و دیگر موارد خود را نشان می‌دهد. در واقع این دو مفهوم دارای دو صورت مقبول و نامقبول هستند. چالش وقتی پیش می‌آید که کم‌کم صورت‌های نامقبول در محیط‌های دانشگاهی نمایان شود و رو به افزایش باشد. چالش آزادی در دانشگاه ایرانی به معنای اراده آزاد و مستقل است که از اراده جمعی و انباشته می‌خواهد رها شود. بنابراین از ساختارها و اراده‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دوری می‌کند اما در هر صورت نظام بروکرایی حاکم به وسیله فناوری‌های نرم مانند آیین‌نامه‌ها و قواعد و فناوری‌های سخت مانند اینترنت، کامپیوتر و هر صورت نوین شکل‌های نظم بخشی او را به دام می‌اندازد. چیزی که رخ می‌دهد چالشی بین اراده فردی و اراده انباشته است. چیزی که بیشتر اتفاق می‌افتد این است که برای تبیین خیر عمومی همانی که اراده انباشته اجتماعی قصد تفهیم آن را دارد گروه‌های اجتماعی رقابت می‌کنند. در واقع اراده فرد در مقابل اراده جامعه نیست بلکه این است که گروه‌های اجتماعی به شکل عجیب و غریبی با هم رقابت می‌کنند. این امری طبیعی است اما مشکل وقتی پیش می‌آید که رقابت نامتوازن است. هر کسی از این گروه‌ها خیر عمومی را به نحوی تفسیر کند و دانشگاه را به همان سمت بکشد. برای مثال اشتغال و منافع اقتصادی به عنوان خیر عمومی تلقی می‌شود و همه دانشگاه‌ها باید در همین راستا حرکت کنند. برخی از رشته‌ها برای همین هستند که در این حوزه‌ها کار کنند اما تمامی رشته‌ها چنین ظرفیتی ندارند و این باعث ایجاد رقابتی نامتوازن می‌شود. برای سامان‌دهی به این کار سیستم مدیریتی دنبال وضع قواعد است. در صورتی که این مشکلی را رفع نمی‌کند زیرا در ابتدا که خیر عمومی تعریف شده است رقابت نامتوازن در گروه‌های اجتماعی بوده است. اتفاقی که پس از این مسائل رخ می‌دهد افزایش مدیریت‌گرایی است. مدیریت‌گرایی در ضمن خود نوعی قیام‌مآپی دارد. یعنی مدیریت سعی می‌کند برای دانشجوی و استاد اهدافی تعیین کند و به همان سمت برود. این باعث می‌شود که آزادی بیان به این معنا که در گفتار و رفتار اراده آزاد تعیین‌کننده باشد که چه بگوید ناممکن‌تر شود. در اینجا باید روایت دوم که روایت معلمی است رخ دهد یعنی معلم به مثابه پیشوا و راهنما نه فناور تعریف شود. معلم فناور نیست و شاگرد یا دانشجوی ماده خام نیست. چالش جدی دانشگاه چالش پیشوایی است. در حال حاضر معلم نقش یک بروکرات را اجرا می‌کند نه پیشوا. این یعنی فقط قواعد را بر خود و دانشجوی تفهیم و تحمیل می‌کند و این یعنی کسی دیگر معلمی نمی‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد آزادی بیان در شکل‌های رهایی از هر گونه نظم و رهایی‌های افراطی پسامدرن و پساساختار از یک طرف نمایان می‌شود و از طرف دیگر احساس دلتنگی برای کسانی که به ایدئوژنی اسلامی اعتقاد دارند و برای تحول علوم، دانشگاه و ساختارهای وابسته به علم به سوی اعتلای اخلاقی و عقلانیت استعلایی حرکت می‌کنند. به نظر می‌رسد که چالش آزادی در دانشگاه عقلانیت استعلایی در مقابل عقلانیت تصرفی است که در فناوری، مهندسی و مدیریت‌گرایی بروز پیدا کرده است. از طرفی عقلانیت استعلایی در والاترین حد خود در پیامبری نمود پیدا کرده است و پس از آن در پدری، مادری و معلمی متجلی شده است.

وی بیان کرد:

در نهایت با اشاره به جمله امام خمینی (ره) که فرمودند: «معلمی شغل انبیا است.» انبیا پیشوایان جامعه‌اند نه مدیران جامعه و معلمی هم جایگاه خود را باید بر این اساس تعریف کند.

برچسب‌ها: [دانشگاه](#) [1]

[فرهنگ](#) [2]

[ایراهیم رئیسی](#) [3]